

واکاوی فقهی - حقوقی حق حبس و چالش های

فراروی ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی

رحیمه قربانی*

امیر حمزه سالارزانی**

محمدرضا کیشا***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۱

چکیده

حق حبس در نظام حقوقی اسلام یک مزیت و به عنوان ضمانت اجرایی حقوق مالی زوجه در ازدواج است که می توان گفت از مصادیق مدرن رعایت حقوق بشر در جهت صیانت از حقوق مالکیت بانوان و آزادی آنان در امور مالی خویش محسوب می شود. چنان که به زن حق می دهد از ایفای وظایفش در مقابل شوهر امتناع کند تا زوج وادار شود با حفظ حق نفقه، مهریه معجل و معلوم او را به وی تسلیم نماید. مفاد ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، ناظر به همین ضمانت اجرا است؛ اما این ماده با چالش هایی مواجه است که مقاله پیش رو در صدد بررسی آنها است. از جمله چالش ها این است که وقتی مهریه ها، گاه نجومی و از توان زوج خارج است، اعمال این حق، اساس ازدواج و تشکیل خانواده را با تکانه های جبران ناپذیری مواجه می کند و عملاً موجب حرج و ضرر می گردد که بدون شک این دو قاعده بر احکام و قواعد اولیه تزییق در جانب حکم ایجاد کرده و موجب می شود با پرداخت اولین قسط در مهریه های سنگین و خارج از توان زوج، زوجه را محکوم به تمکین از همسرش کند. در ضرورت این بحث همین بس که در عصر ما، مقوله ازدواج و تشکیل خانواده دشوار گردیده و ضروری است تا با تحلیل قواعد و قوانین بتوان در عین صیانت از آزادی مالی زوجه تا حد امکان تشکیل نظام مقدس خانواده را تسهیل و موجبات تحکیم آن را فراهم کرد که کاری لازم و خداپسندانه خواهد بود. نوع پژوهش این مقاله توصیفی - تحلیلی است و حاصل مقاله، مقید کردن ماده ۱۰۸۵ به قید عدم تمکین عام زوجه و قید قدرت پرداخت مهریه توسط زوج است که در غیر این صورت امتناع زوجه از انجام وظایفش غیرقانونی گردد.

کلیدواژه ها: آزادی، اعسار، امتناع، تمکین، حق حبس، حقوق بشر، قانون مدنی.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان.

** دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول).

*** استادیار فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان.

مقدمه

حق حبس، اختیاری است که برای هریک از طرفین معامله وجود دارد و بر اساس آن طرفین حق دارند اجرای تعهد خود را موقوف به اجرای تعهد دیگری کنند. در واقع اعمال این حق، ضمانت اجرایی دسترسی به حق است و در مواردی که تعهد طرفینی وجود دارد، یکی از طرفین می تواند از ایفای تعهد خود امتناع کند تا طرف مقابل به تعهد خود عمل نماید. این حق در معاملات به معنای عام، از احکام «امضایی» محسوب می شود.

در زمانی که هنوز ابتدایی ترین قوانین حقوق بشری در جهان وضع نشده بود، در اسلام یکی از مترقی ترین قوانین با عنوان حق حبس یا حق امتناع زوجه از انجام وظایف زناشویی در عقد نکاح، تشریح شده است. ماده ۱۰۸۲ (ق.م) تصریح نموده است: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید»؛ بنابراین زوجه حق دارد پس از عقد، مهر تعیین شده را در صورتی که حال باشد، مطالبه کند. از طرفی ممکن است زوج حاضر نشود مهر همسرش را به وی تسلیم نماید. در این صورت مطابق ماده ۱۰۸۵ (ق.م) زوجه حق دارد تا زمان تحویل مهریه از تمکین خودداری کند و از این طریق زوج را وادار به پرداخت مهر نماید. این حق زوجه در ادبیات فقهی و حقوقی «حق حبس» یا «حق امتناع» گفته شده است.

در نظر گرفتن چنین حقی در نکاح ناشی از طبیعت معاوضی یا شبه معاوضی عقد ازدواج در حقوق اسلامی است.

در قانون جمهوری اسلامی نیز که برگرفته از نظر مشهور فقها است، این حق پیش بینی شده است.

آنچه در مقاله حاضر بررسی می شود، مفاد ماده قانونی ۱۰۸۵ است که با به وجود آمدن شرایط جدید اجتماعی دچار ابهامات اساسی شده است. بدین جهت ابتدا لازم است به مفهوم حق حبس، احکام و شرایط آن در فقه و حقوق پرداخته شود که با توجه به آن، مواردی جهت رفع ابهامات از این ماده قانونی پیشنهاد می شود.

۲- حق حبس در عقد نکاح

حبس در لغت به معنای نگاه داشتن، بازداشتن و توقیف کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۴/۶). از نظر فقه و حقوق، در عقد معوض هریک از طرفین معامله حق حبس مورد معامله را دارد تا طرف دیگر، مورد معامله را به او بدهد (امامی، بی تا: ۱۷۳/۱؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۲۶۳/۶). در صورتی که یکی از طرفین معامله تعهد خود را انجام

نهدد، طرف دیگر می تواند از انجام تعهد خود امتناع کند. در ماده ۳۷۷ (ق.م) به این مطلب اشاره شده است. در عقد نکاح نیز به خاطر ماهیت معاوضی آن (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱/۳۱)، زوجه می تواند برای جلوگیری از زیان خود تا اخذ کامل مهریه از تمکین امتناع کند (امامی، بی تا: ۲۲۵/۱).

اکثر فقهای شیعه و حتی فقهای اهل سنت، حق حبس در عقد نکاح را پذیرفته^۲ و مهم ترین دلیل حق حبس را اجماع، بیان کرده اند (حلی، ۱۴۱۳: ۱۶۹/۷).

قانون مدنی جمهوری اسلامی نیز در ماده ۱۰۸۵ به این حق تصریح کرده و مقرر داشته است: «زن می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند. مشروط به اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود».

پیش از وضع قوانین حقوق بشری توسط مجامع بین المللی، حق حبس زوجه در اسلام تشریح شده است که نشان دهنده دغدغه جدی اسلام نسبت به حفظ حقوق زن است که امروزه از مهم ترین مطالبات حقوق بشری شمرده می شود.

اکنون بعد از اعتقاد به ثبوت حق حبس، قلمرو، شرایط، آثار و مستقات آن بررسی خواهد شد.

۳- قلمرو حق حبس

مقصود ما از قلمرو حق حبس این است که حق امتناع زوجه شامل چه اموری می شود؛ آیا منظور از آن تنها امتناع از مواقعه است یا مطلق استمتاع را شامل می شود؟ بیان قانون مدنی در این مورد عام است. در ماده ۱۰۸۵ این قانون آمده است: «زن می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند...» تعبیر وظایف در این ماده، عام است و از این رو، زوجه حق دارد تا پیش از استیفای مهر به هیچ یک از خواسته های زوج پاسخ ندهد؛ اما با وجود این تعبیر عام تعداد قابل توجهی از حقوق دانان حق حبس زن را به صورت خاص و تنها ناظر به نزدیکی با شوهر دانسته اند (امامی، بی تا:

۲. این ماده بیان می دارد: هریک از بائع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود؛ مگر اینکه مبیع یا ثمن مؤجل باشد. در این صورت هریک از مبیع یا ثمن که حال باشد، باید تسلیم شود.

۳. از جمله مستندات، (جزیری و دیگران، ۱۴۱۹: ۲۱۸/۴؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۳۶۵؛ حلی، ۱۴۱۰: ۵۹۱/۲؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۳۵۳/۱۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۶۹/۷؛ طرابلسی، ۱۴۰۶: ۲۱۴/۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۹۳/۴).

۱. زن می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند؛ مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

اصطلاح «مفوضه المهر» می‌گویند. سؤال این است که آیا این حق حبس ویژه زوجه «مفوضه المهر» است یا زوجه «مفوضه المهر» نیز از این حق برخوردار می‌باشد؟ از بسیاری از منابع فقهای این نظر به دست می‌آید که حق حبس ویژه زوجه مفوضه المهر است.^۱

۴-۲- حال بودن مهر

مهر، ممکن است حال یا مؤجل باشد. حال بودن مهر، نیاز به تصریح ندارد و همین که مدتی برای آن تعیین نشده باشد، مهر حال است. یکی از شرایط حق حبس این است که مهر حال باشد؛ در صورتی که مهر مؤجل باشد، زوجه تا قبل از حلول اجل حق امتناع از تمکین ندارد (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۱۳/۴).

پرسشی که در این خصوص قابل طرح به نظر می‌رسد، این است که اگر مهر مؤجل بوده و مدت آن منقضی شده باشد؛ ولی وطی صورت نگرفته باشد آیا با حلول اجل، زوجه حق حبس پیدا می‌نماید؟ فقها در مورد این مسئله دو وجه را مطرح نموده‌اند؛ یک فرض این است که زوجه پس از حلول اجل حق حبس داشته باشد از این جهت که پس از حلول اجل، وضع او مانند حالتی است که مهر او حال بوده است (طوسی، ۱۴۰۰: ۴۷۵). وجه دیگر این است که او حق حبس ندارد؛ زیرا تا قبل از حلول اجل، تمکین بر او واجب بوده است (حلی، ۱۴۱۳: ۱۷۰/۷). پس از آن هم همین حکم استصحاب می‌گردد. علاوه بر این با توافق بر مؤجل بودن ثمن تلویحا آن دو بر اسقاط حق امتناع توافق نموده‌اند (شیرازی، ۱۴۱۹: ۷۰۴۲/۲۲). احتمال دوم قوی‌تر به نظر می‌رسد. ظاهرا این احتمال مورد پذیرش تعداد بیشتری از فقهای امامیه قرار گرفته است (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۶۷؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۳۵۳/۱۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۳۷۰/۵).

بعضی نیز تصریح کرده‌اند که در این مسئله بین اینکه عدم واقعه به دلیل عذری باشد یا از روی غصیان زوجه تفاوتی وجود ندارد (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۶۷).

با توجه به مطالب مذکور، ماده ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ (ق. م) شرایط ذیل را برای ایجاد حق حبس لازم می‌دانند:

۱- یکی از شرایط اعمال حق حبس، این است که مهر تعیین شده باشد و حال باشد؛ یعنی مهلتی برای پرداخت آن مقرر نشده باشد.

۱. اکثر کتب فقهی اصیل در شرایط عقد نکاح دائم، در ضمن بحث مهریه و نحوه پرداخت آن به حق امتناع اشاره کرده‌اند. در کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (حلی، ۱۴۱۰: ۵۹۳/۲) به این امر تصریح شده است و با بررسی بحث امتناع زوجه و مباحث قبیل و بعد آن در این منابع (محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۳۵۳/۱۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۹۳/۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۹۳/۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۶۹/۷؛ جزیری و دیگران، ۱۴۱۹: ۲۱۸/۴) نیز همین مطلب روشن می‌شود.

این بیان را دیدگاه فقهای امامیه نامیده‌اند. به همین دلیل ظاهرا قانون مدنی را که در آن عبارت وظایف به صورت عام بیان شده، مغایر با عقیده فقهای امامیه دانسته‌اند. اینان اظهار داشته‌اند: «بنا به عقیده فقهای امامیه، زن فقط می‌تواند از نزدیکی با شوهر تا گرفتن مهر خود امتناع کند؛ بنابراین می‌توان گفت مقصود قانون‌گذار از ایفای وظایف زناشویی نزدیکی با شوهر و به تعبیر دیگر تمکین خاص است نه وظایف دیگر» (صفایی و امامی، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

همان طور که مشاهده می‌شود، در متن فوق نظریه ذکر شده به فقهای امامیه نسبت داده شده است؛ برای تبیین دیدگاه فقها، آرای بعضی از آنان را بررسی می‌کنیم. در بعضی منابع آمده است زن حق دارد مانع زوج شود تا مهر خود را قبض نماید (بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۶۳/۲۴).

عبارت فوق بیان می‌کند قلمرو حق حبس تنها «وطی» نیست؛ بلکه تمام منافع زن برای مرد را در بر می‌گیرد. بیشتر فقهای امامیه حق امتناع را شامل مطلق استمتاع دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱/۳۱) و قانون مدنی نیز با این نظر هماهنگ است.

بنابراین بر نظریه مقابل این ایراد اساسی وارد است که چگونه می‌توان از زوجه انتظار داشت که به همراه زوج به منزل او برود و به خواسته‌های جنسی او پاسخ مثبت بگوید و تنها در مقابل درخواست آمیزش جنسی امتناع نماید.

شاید به همین دلیل، آیت الله سیستانی که معتقد است حق حبس «شامل سایر استمتاعات نیست»، بلافاصله اضافه نموده است: «ولی می‌تواند به خانه او نرود و با او خلوت نکند». این نشان می‌دهد که تفکیک بین وطی و سایر استمتاعات در این رابطه دشوار است.

۴-۳- شرایط اعمال حق حبس

حق حبس زوجه که از جمله آزادی‌های مالی و مترقی‌ترین قوانین حقوق بشری نسبت به بانوان به شمار می‌رود نیز مانند سایر حقوق متوقف بر شرایطی است که بدون تحقق آن به وجود نخواهد آمد. در این قسمت، شرایط ایجاد آن بیان خواهد شد.

۴-۱- تعیین مهر

در عقد نکاح ممکن است طرفین بر سر مهر توافق کنند و آن را تعیین نمایند؛ چنین زنی را اصطلاحا «مفوضه المهر» نامیده و این مهر را نیز «مهر المسمی» می‌گویند؛ همچنین ممکن است طرفین بدون ذکر مهر، عقد را جاری نمایند یا تعیین آن را به آینده موکول سازند؛ چنین زنی را در

۴. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به (طاهری، ۱۴۱۸: ۱۷۷/۳؛ محقق داماد یزدی، ۱۳۸۴: ۲۴۶؛ امامی، ۱۳۷۷: ۳۹۴/۴).

۵. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به (بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۶۳/۲۴؛ مغنیه، ۱۴۲۳: ۳۴۵/۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۹۳/۴).

مفهوم مخالف ماده ۱۰۸۵ (ق.م) این است که اگر مهر زن مؤجل باشد، نمی‌تواند از حق حبس استفاده کند. این شرط مورد اتفاق همه فقهای امامیه و اکثریت فقهای اهل سنت است (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳/۳۱).^۷ فقها در اینجا مواردی از جمله علم زن به اعسار مرد در زمان عقد را که منجر به مؤجل شدن مهر می‌شود، مجمل گذاشته و به آن نپرداخته‌اند.

۲- شرط دیگر اعمال حق حبس، مطالبه کردن مهر از جانب زن و عدم پرداخت آن از جانب مرد است.

۵- مسقطات حق حبس

در این قسمت اموری که موجب اسقاط حق حبس می‌شود، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱-۵- اگر زوجه مهریه خود را به‌طور کامل دریافت کند، مانع از بین می‌رود و حق حبس ساقط می‌شود.

۲-۵- مشهور فقها معتقدند که حاضر شدن زن به تمکین، در واقع اسقاط حق حبس است (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۹۴/۴).^۸ و ادله سقوط این حق معلق به وطی نمی‌شود؛ بلکه همین که زوجه خود را در اختیار مرد گذاشته باشد، موجب سقوط حق حبس می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳/۳۱).

۳-۵- توافق طرفین در حین عقد ازدواج یا پس از آن برای اسقاط حق حبس یکی دیگر از مسقطات حق حبس است.

۴-۵- قرار دادن شرط ضمن عقد مبنی بر سقوط حق حبس نیز ساقط کننده این حق است.

۶- آثار اعمال حق حبس

اعمال حق حبس سبب آثار متعددی در راستای حفظ آزادی‌های مالی زوجه و سایر حقوق وی که امروزه مجامع حقوق بشری نیز خواستار آن هستند، می‌باشد.

در صورتی که زوجه از حق حبس خود استفاده نکند، امتیازهای ذیل را دارا است:

۱-۶- در صورت تقسیط پرداخت مهریه، حق حبس تا پایان دریافت تمامی اقساط به قوت خود باقی می‌ماند (مفاد رأی شماره ۸-۷۲/۷۲ شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور).

۲-۶- زوجه مستحق نفقه خواهد بود؛ بنابراین اگر زوجه حاضر به تمکین باشد؛ اما آن را منوط به دریافت مهریه بنماید، «ناشزه» نیست و مرد باید نفقه او را بپردازد (مفاد ماده ۱۰۸۵ ق.م).

۳-۶- زوجه را نمی‌توان ملزم به تمکین خاص و ایفای سایر وظایف زناشویی کرد (رأی شماره ۵۲۶-۱۳۶۹/۹/۱۱ شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور).

۷- بررسی ابهامات موجود در ماده ۱۰۸۵ (ق.م)

اکنون پس از بررسی شرایط، آثار و مسقطات حق حبس که از مصادیق مدرن حفظ حقوق زوجه و رعایت حد اعلاای حقوق بشر در اسلام نسبت به زنان می‌باشد، لازم است به تبیین ابهامات موجود در ماده ۱۰۸۵ (ق.م) از جمله؛ ابهام در عبارت وظایف زناشویی و همچنین تعریف نشدن قیودی برای واضح شدن شرایطی مثل حال و مؤجل بودن و اعسار و تعارضاتی که در اثر وجود موارد مبهم این قانون، در آرای صادره از محاکم مختلف مشاهده و منجر به صدور آرای وحدت رویه متعدد شده است، پرداخته می‌شود.

۷-۱- وظایف زناشویی

واضح نبودن عبارت وظایف زناشویی در ماده ۱۰۸۵ (ق.م) موجب شده است تا محدوده وظایفی که مشخص کننده تمکین زن از مرد است و به موجب آن حق حبس ساقط می‌شود و یا اینکه در صورت اعمال حق حبس، زوجه حق امتناع از آن را دارد، نامعلوم و مبهم باشد. به همین دلیل آرای مختلف از جمله در شعب پنج و نه دادگاه تجدید نظر استان لرستان در این خصوص باهم مغایرت داشته‌اند. عده‌ای از حقوق دانان معتقدند منظور از وظایف زناشویی، تمکین خاص است که در متون فقهی آمده و عبارت است از آنکه زوجه خویشتن را برای استمتاع در اختیار زوج قرار دهد (لنکرانی، بی‌تا: ۳۹۶/۲؛ صافی، ۱۳۸۵: ۳۴/۳).

اما به نظر می‌رسد این موضوع، قابل نقد است؛ چراکه از ظاهر این ماده قانونی به‌ویژه عبارت «وظایفی که در مقابل شوهر دارد» چنین بر می‌آید که قلمرو حق حبس محدود به تمکین خاص نیست و شامل کلیه تکالیفی می‌شود که زوجه در قابل زوج به عهده دارد زیرا اولاً؛ کلمه «وظایف» به صیغه جمع آمده است، ثانیاً؛ ایفای وظایف در این ماده به صورت مطلق آورده شده است و از طرف دیگر جدا کردن وظایف زناشویی از یکدیگر در پاره‌ای از امور دشوار است. برای نمونه چگونه زنی می‌تواند به خانه شوهر برود، با او زندگی کند و رفتاری خوب با شوهرش داشته باشد؛ ولی در عین حال از تمکین امتناع نماید (شاهدی علی آبادی، ۱۳۹۲: ۳۱).

علاوه بر این اگر بتوان برای تفسیر و فهم این عبارت به مواد قانون مدنی استناد کرد، باید گفت که در ماده ۱۱۰۵ (ق.م) وظایف و تکالیف زوجین تعریف و تبیین شده و عبارت است از «حسن معاشرت زوجین، معاضدت و همیاری در تشدید میانی خانواده، ریاست مرد و اطاعت زن از تصمیم‌گیری نهایی در امور خانواده».

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از منظر قانون مدنی نیز وظایف زن نسبت به همسرش علاوه بر تمکین در استمتاع، اطاعت تام و تمام از زوج می‌باشد و بدون

۷. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به (جزیری و دیگران، ۱۴۱۹: ۲۱۸/۴؛ علامه حلی ۱۴۱۳: ۱۷۰/۷؛ طرابلسی، ۱۴۱۱: ۱۱۷؛ آبی، ۱۴۱۷: ۱۹۳/۲)

۸. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به (محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۳۵۴/۱۳؛ حلی، ۱۴۱۰: ۵۹۲/۲؛ ۱۴۱۳: ۱۶۹/۱).

حبس استفاده کند و از تمکین خودداری نماید (حلی، ۱۴۱۰: ۵۹۱/۲) و دیگرانی نیز آن را نیکو دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۴۱/۱).

نظر مشهور بین فقها و حقوق دانسان این است که اعسار مرد ساقط کننده حق حبس نیست (امامی، بی تا: ۳۹۵/۴؛ طاهری، ۱۴۱۸: ۱۷۵/۳ ج ۳: ۱۷۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶: ۱۹۵/۸).

اما در عمل بین شعب مختلف دادگاه در استنباط از ماده ۱۰۸۵ (ق. م) در خصوص اعسار اختلاف ایجاد شده است که اختلاف رأی دادگاه تجدید نظر شعبه ۶ و شعبه ۱۹ استان اصفهان باعث شد تا رأی وحدت رویه شماره (۸۷/۵/۲۲/۷۰۸) مبنی بر عدم سقوط حق حبس با اعسار مرد صادر شود.

اشکالی که با عدم تأثیر اعسار مرد در اعمال حق حبس مطرح می‌شود، این است که در زمان کنونی با رواج مهریه‌های سنگین و تقسیط آنها برای سال‌های طولانی حتی پنجاه سال، آیا ساقط نشدن حق حبس حکمی عقلی است؟! آیا با فقهی پویا که احکام آن متناسب با مقتضیات زمان تغییر می‌کند، سازگاری دارد؟!

اینکه بیشتر فقها معترض این مسئله نشده‌اند، شاید به این دلیل بوده که در گذشته اولاً میزان مهریه‌ها متعارف بوده و ثانیاً زوج آنچه را در اختیار داشته، مهر قرار می‌داده است و در همان ابتدای ازدواج به زوجه تقدیم می‌کرده یا در هنگام مطالبه او می‌پرداخته است و مانند امروزه نبوده که زوجه مال زیادی را به عنوان مهریه درخواست می‌کند تا زوج در آینده آن را به دست آورد و سپس بپردازد. همچنین زوجه علی‌رغم اینکه می‌داند همسرش در ابتدای زندگی قادر به پرداخت آن نیست و سال‌های زیادی طول می‌کشد تا زوج این مبلغ را تهیه کند و گاه هرگز این امر محقق نمی‌شود، این مقدار مهریه را می‌پذیرد.

برخی منتقدان به قید «عندالمطالبه» استناد کرده و معتقدند که با این قید زوج موظف است هر زمان که زوجه مهریه خود را مطالبه کند؛ ولو مقدار بالایی باشد، بپردازد؛ اما به نظر می‌رسد می‌توان به این قول خدشه جدی وارد کرد؛ چراکه تعبیر «عندالمطالبه» نیز بر اساس شرایط عامه تکلیف است که یکی از آنها قدرت است و از آنجا که هیچ حکمی وجود ندارد، مگر اینکه مشروط به قدرت و استطاعت باشد، مهریه «عندالمطالبه» هم مقید به قید قدرت است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت قید «عندالمطالبه» منصرف به قید «عندالقدره و الاستطاعه» است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۵۴/۶).

علاوه بر این مطلب زوجه در زمان تعیین مهریه و زمان عقد علاوه بر اینکه علم دارد که زوج قادر به پرداخت مهریه به صورت حال نیست، می‌داند که در صورت مراجعه به محاکم قضایی قطعاً بنا توجه به اعسار مرد، مهریه او

اجازه او حتی برای عیادت والدین خویش هم نباید از خانه خارج گردد (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۲۹۷).

نظریه دادستان در رأی وحدت رویه ۹۰/۲/۱۳/۷۱۸ نیز به همین مطلب اشاره می‌کند: «قانون‌گذار به نحو عام تعبیر به وظایف کرده است و در اختیار دادن خود به شوهر (به معنی خاص) یکی از وظایف زن است؛ لذا حق حبس علی‌الظاهر ناظر به عموم وظایف است و از آنجایی که به صرف وقوع عقد، زن مالک مهر می‌شود؛ لذا نمی‌توان آن را تنها در قبال دخول قرار داد؛ زیرا با طلاق زن قبل از دخول نصف مهریه به وی پرداخت می‌شود».

بنابراین به نظر می‌رسد حق این باشد که اگر زن بعد از عقد از شوهر خود اطاعت کرد و وظایف عام خود را انجام داد، حق حبس خود را زایل کرده است.

علاوه بر این در رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸ صادره در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۳ محدوده وظایفی که زن بعد از استفاده از حق حبس می‌تواند از آنها امتناع کند به این صورت بیان شده است که «زن می‌تواند از ایفای «مطلق» وظایفی که شرعاً و قانوناً در برابر شوهر دارد امتناع نماید».

به نظر می‌رسد این مطلب را می‌توان به وظایفی که با انجام آنها حق حبس زن نیز ساقط می‌شود، تعمیم داد؛ چراکه در هر دو مقام، مناسبات یکی است. اگر اینجا حکم شده است که زن در صورت اعمال حق حبس می‌تواند از تمکین عام امتناع کند؛ بنابراین باید همان مقدار تمکین را ساقط کننده حق حبس نیز دانست. پس همان طور که زوجه می‌تواند از مطلق وظایف شرعی و قانونی خود در برابر شوهر امتناع کند، انجام مطلق وظایف و تمکین عام نیز ساقط کننده حق حبس است و نمی‌توان حکم این دو مورد را متفاوت دانست.

۷-۲- اعسار زوج

اعسار مرد دومین مسئله‌ای است که سبب شد تا وجود نقاط مبهم در ماده ۱۰۸۵ (ق. م) واضح‌تر شود و اختلاف آرای کار را به صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۰۸/۸۷/۵/۲۲ کشاند.

بیشتر فقها معتقدند زوجه حتی با فرض اعسار زوج نیز دارای حق حبس است و در واقع بر این باورند که اعسار زوج باعث سقوط حق حبس زوجه نمی‌شود (موسوی عاملی، ۱۴۱۳: ۱۴۱/۱). علامه حلی در این باره معتقد است «برای زن حق امتناع از دخول توسط شوهر قبل از تحویل گرفتن مهریه است، هر چند که شوهر توانایی پرداخت آن را نداشته باشد» (حلی، ۱۴۱۳: ۱۱۴/۳).

فقها نظر خود را به صورت مطلق در مورد زوج معسر بیان کرده‌اند که اعسار زوج، مسقط حق حبس زوجه نیست (بحرانی، ۱۳۶۳: ۶۹/۲۴). در میان فقهای امامیه تنها «ابن ادریس حلی» قائل است که اگر مهر حال و بدون مدت و شوهر از پرداخت آن عاجز باشد، زن نمی‌تواند از حق

تقسیم خواهد شد و با این آگاهی مهریه را می‌پذیرد، پس زوجه در زمان عقد یا علم دارد و یا با توجه به قرائن حالیه و مقالیه به این علم دست یافته است.

در واقع این زن، با علم به اعسار مرد از پرداخت مهریه تعیین شده به همسری او در آمده است و «اقدام» علیه خود کرده است، بنابراین به حکم قاعده فقهی «اقدام» نمی‌تواند زوج را مسئول پرداخت فوری مهر خود کند (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۱۷/۷)؛ چراکه در مورد عمل فردی که بر ضرر خود اقدامی کرده است، کسی مسئولیت مدنی ندارد و زوجه موظف است تا زمان قدرت و استطاعت مرد به ایفای وظایف زناشویی خود بپردازد.

همچنین با توجه به این علم نمی‌توان ادعا کرد که حکم تقسیم دادگاه بعد از درخواست حق حبس زن، حاکی از اراده او بر سقوط حق حبس نیست و به اجبار دادگاه است؛ حتی این امکان وجود دارد که مهریه را از اول مؤجل دانست؛ چراکه علم زوجه بر اعسار زوج در حین عقد مداخلت دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۳۷۰/۵) و زمانی که قرائن روشن وجود داشته که مهریه به صورت نقدی و یکجا داده نمی‌شود، زوجه نمی‌تواند آن را یکجا مطالبه کند.

دادستان کل کشور در جلسه رأی‌گیری «رأی وحدت رویه ۷۰۸» نیز بر این امر تصریح دارد و بیان می‌کند عرف جامعه بر عدم حال بودن مهریه است و این جز به معنای احراز اسقاط ضمنی حق حبس از سوی زوجه نمی‌باشد. علاوه بر این اگر گفته شود تا زمان تسویه کامل مهریه، زن حق حبس خواهد داشت، جامعه با وضعیتی سخت مواجه می‌شود؛ زیرا مردی که اقدام به ازدواج کرده و بر اثر اعسار در پرداخت مهریه زندان رفته و پس از مدتی که اعسارش ثابت و مهر تقسیم شده است، ملزم می‌شود طی ده‌ها سال مهر را به صورت اقساط و طبعاً نفقه زوجه را نیز بپردازد؛ تا پایان پرداخت کامل مهر نیز امکان تملک منافع زوجه را ندارد؛ اما از ظاهر عبارت مندرج در ماده ۱۰۸۵ (ق.م) این گونه بر می‌آید که حبس زوجه تا پایان تسویه کامل برقرار است؛ زیرا عبارت «تا مهر به او تسلیم نشده» ظهور در تسلیم کامل مهر دارد. بر همین اساس، کمیسیون شورای عالی قضایی در این باره اظهار داشته است: «تا وصول مهر، (زن) حق امتناع از تمکین و استحقاق نفقه را با توجه به ماده ۱۰۸۵ (ق.م) دارد».

اما با توجه به حکم بودن قاعده «الاضرر» بر احکام اولیه نمی‌توان مرد را گاهی مجبور به انتظار پنجاه ساله کرد و به حکم اصل ۴۰ قانون اساسی که «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را به وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد»، اعمال حق حبس زوجه نیز در صورت علم به عجز زوج در حقیقت اضرار به مرد است و این مرد در مواردی امکان ازدواج مجدد را هم نخواهد داشت (ماده ۱۶ قانون حمایت از خانواده).

با توجه به مباحث گذشته، می‌توان در چنین مواردی گفت که سقوط حق حبس زوجه با پرداخت اولین قسط با قواعد انصاف و عدل و مذاق شریعت بیشتر سازگار است و آنچه این نظر را تقویت می‌کند، توجه به عوامل زیر است:

اولاً هر چند نکاح از دسته ابواب معاملات به مفهوم عام است ولی نمی‌توان واقعاً قواعد عمومی معاملات معوض را به طور تمام در مورد نکاح جاری و ساری دانست؛ زیرا این امر با قداست خانواده مغایر است و با ماهیت اخلاقی روابط خانوادگی سازگار نیست (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۲/۲).

ثانیاً چنان‌که در نامه آیت الله مکارم شیرازی آمده است، الزام شوهر به پرداخت اقساط مهر و نفقه طی سال‌های متمادی به زوجه و عدم تعهد زوجه به تمکین تا پایان پرداخت کامل مهریه از مصادیق بارز ضرر و حرج است که به وسیله لا ضرر نفی شده است؛ قاعده‌ای که حاکم بر ادله اولیه است.

ثالثاً چون حاکم شرع بنا بر ارجحیت مصالح خانوادگی و بدون رضایت زوجه به پرداخت اقساطی مهریه در موارد عسر و حرج زوج حکم صادر می‌کند، پس در موارد صدور حکم اعسار منعی ندارد که بگوییم دین حال □ یکی از شروط اعمال حق حبس □ را نیز معلق به عدم پرداخت اقساط تعیین شده از سوی حاکم شرع بدانیم؛ زیرا اجرای مشروط به حکم حاکم شرع نیز نوعی پرداخت مهریه است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حال بودن مهریه که مطلق است و باید به ۱- عدم اعسار مرد ۲- عدم آگاهی زن از اعسار مرد مقید شود.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

حق حبس در فقه برای حفظ حقوق زن و در راستای آزادی‌های مالی او که امروزه از مهم‌ترین مطالبات بشری نسبت به زن می‌باشد، وضع شده است و از آنجا که قانون مدنی کشور جمهوری اسلامی نیز برگرفته از فقه است به این حکم در ماده ۱۰۸۵ (ق.م) به صورت مطلق تصریح کرده است؛ گرچه حق حبس مبنای عقلایی و شرعی دارد، لیکن اعمال آن طبق شرایط فقهی و قانونی به صورت کنونی، با اشکالاتی روبه‌رو است. از جمله این اشکالات، ابهامات و خلأهای موجود در ماده ۱۰۸۵ (ق.م) است که لزوم بازنگری به این ماده قانونی را ضروری می‌نماید؛ چراکه اجرای آن به نحو کنونی مغایر با روح اصل دهم قانون اساسی است که تأکید بر بنیاد خانواده دارد. قانون دهم بیانگر این موضوع است که از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری

روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. به نظر می‌رسد لازم است با بازنگری و مقید کردن ماده ۱۰۸۵ (ق.م) به مواردی که مستند فقهی قوی دارند، علاوه بر حفظ حق زوجه، صیانت و استحکام نهاد مقدس خانواده را که اساسی‌ترین عنصر یک نظام اجتماعی است، تضمین کرد. همچنین از سوء استفاده برخی زنان که رو به افزایش است، نیز پیشگیری خواهد شد؛ چراکه قانون مدنی بر اساس فقه جعفری تدوین شده و ویژگی بارز فقه شیعه، پویایی آن است و این حکم نیز مانند سایر احکام باید متناسب با نیازها و اقتضائات زمان تنظیم شده و مانع گناه و از هم پاشیدن خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد جامعه شود.

به نظر می‌رسد عدم اسقاط این حکم با تمکین عام و امتناع زوجه از همه وظایف زناشویی و پرداخت کامل مهریه حتی در مهریه‌های سنگین، در جهت تأمین نظر شارع مقدس و سعادت کامل خانواده نیست. مصالح اجتماعی، تحکیم پیوندهای خانوادگی و پرهیز از طلاق، فساد و در برخی موارد جلوگیری از سوء استفاده زوجه، حکم می‌کند که اعمال حق حبس اولاً مقید به عدم تمکین عام باشد و ثانیاً در صورت اثبات اعسار زوج، با تقسیط آن و پرداخت اولین قسط در مهریه‌های سنگین حق امتناع از بین برود و حتی این امکان وجود دارد که همان طور که قانون‌گذار برای جلب زوج در هنگام مطالبه زوجه سقف ۱۱۰ سکه قرار داده است، حق حبس هم به همین مقدار مقید شود و یا حداقل برای علم زن به اعسار نیز مدخلیت قائل شوند؛ بنابراین مقید کردن این حکم علاوه بر پیشگیری از ضرر به مرد، حق زوجه را نیز با تقسیط مهریه توسط محاکم قضایی و ملزم کردن زوج به پرداخت آن تضمین می‌کند. با توجه به مطالب فوق لزوم بازنگری در این قانون محرز می‌شود. به نظر می‌رسد در صورت اصلاح ماده ۱۰۸۵ (ق.م) به این صورت که «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه زوجه حتی به صورت عام تمکین نکرده باشد، مهر او حال باشد و در حین عقد علم به اعسار زوج در پرداخت مهرالمسمی نداشته باشد. این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود» بسیاری مشکلات ناشی از ابهامات موجود رفع شود.

منابع

آبی، فاضل (۱۴۱۷). کشف الرموز فی شرح مختصر النافع. چاپ سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۴). لسان العرب. جلد ۶. چاپ سوم. بیروت: نشر دارالصادر.
امامی، سیدحسن (بی تا). حقوق مدنی. جلد ۱. تهران: نشر اسلامی.

انصاری، مرتضی بن محمد (۱۴۱۵). النکاح. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

الخيارات. جلد ۶. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. جلد ۲۴. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹). القواعد الفقهية. جلد ۷. قم: نشر الهادی.

حکمت‌نیا، محمود و همکاران (۱۳۸۶). فلسفه حقوق خانواده. جلد ۲. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی زنان.

حلی، ابن‌ادریس (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. جلد ۲. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام. جلد ۳. قم: نشر اسلامی جامعه مدرسین.

الشریعة. جلد ۷. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

جزیری، عبدالرحمن و سایرین (۱۴۱۹). الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام. جلد ۴. بیروت: دارالتقنین.

شاهدی علی‌آبادی، حکیمه (۱۳۹۲). «بررسی حقوقی حق حبس زوجه در صورت احراز اعسار زوج». مجله مطالعات اسلامی؛ فقه و اصول. شماره ۹۵. صص ۴۳-۲۹.

شیمی زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹). نکاح. جلد ۲۲. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.

شهید ثانی، زید بن علی (۱۴۱۳). مسالک الفهم الی تنقیح الشرائع الاسلام. جلد ۱. قم: نشر معارف الاسلامیه.

الاسلام. جلد ۸. قم: نشر معارف الاسلامیه.

الدمشقیه. جلد ۵. قم: انتشارات کتاب‌فروشی داوری، صافی، لطف‌الله (۱۳۸۵). جامع الاحکام. جلد ۲. چاپ چهارم. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی.

صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۹۲). مختصر حقوق خانواده. چاپ سی‌وشش. تهران: نشر میزان.

طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸). حقوق مدنی. جلد ۳. چاپ دوم. قم: نشر اسلامی جامعه مدرسین.

طرابلسی، ابن‌براج (۱۴۰۶). المهدب. جلد ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه

مغنيه، محمد جواد (۱۴۲۱). الفقه على المذاهب الخمسة. جلد ۲. چاپ دهم. بيروت: دارالتيار الجديد - دارالجواد. مكارم شيرازي، ناصر (۱۳۸۳). النكاح. جلد ۶. قم: مدرسة الامام على بن ابي طالب. موسوي عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۳). نهایه المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام. جلد ۱. قم: مؤسسه نشر اسلامی. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. جلد ۳۱. چاپ هفتم. بيروت: دار احیاء التراث العربی.

قم. ----- (۱۴۱۱). جواهر الفقه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. چاپ دوم. بيروت: دارالکتاب العربی. ----- (۱۴۰۷). الخلاف. جلد ۴. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ----- (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیه. جلد ۴. چاپ سوم. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية. لنکرانی، محمد فاضل (بی تا). جامع المسائل. جلد ۲. چاپ یازدهم. قم: انتشارات امیر قلم. محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد جلد ۱۳. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴). بررسی فقهی حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. محقق داماد یزدی، سید مصطفی (بی تا). بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن. قم: بی نا.



پښتو پوهنځی دیني او مطالعات فرانسوي
پرتال جامع علوم انساني